

روش‌های تدریس موثر در آموزش کارآفرینی

دکتر بهاره عزیزی نژاد^۱، فاطمه باقری^۲

چکیده

کارآفرینی یک نوع سبک زندگی متعالی برای زیست پویا و توسعه‌مند کشورها است و بدون کارآفرینی شاهرگ‌های حیاتی یک کشور بی‌رمق خواهد بود و در ارزیابی روند و ضریب توسعه کشورها میزان خلاقیت افراد یک جامعه به همراه سایر خصوصیات فردی که نرخ کارآفرینی در آن جامعه را مشخص می‌کند مورد مناظر اعتبار است و اما در این عرصه کشورها با چشم اندازه‌های برنامه‌ای مختلف به سمت توسعه کارآفرینی در بین افراد جامعه از جمله نسل جوان خود از دوران پیش دبستانی و حتی قبل‌تر از آن هستند که یکی از این برنامه‌ها در حوزه آموزش و در زیر شاخه‌های مختلف طراحی و تدوین می‌شود و در بحث برنامه آموزشی نیز بحث الگو و شیوه‌های تدریس بسیار مهم و حیاتی جهت اثرگذاری موضوع است. تحقیق حاضر نیز با هدف بررسی اهمیت این مهم و احصاء شیوه‌های متناسب برای آموزش کارآفرینی و از همه مهمتر شیوه‌های تدریس آن گردآوری شده است. در این مقاله با نگاهی به شیوه‌ها و الگوهای تدریس مختلف و تشریح آنها سعی شده تا تحقیقات و نظریه‌های معتبر در خصوص مسایل مرتبط با آموزش و تدریس کارآفرینی که بسیار هم کم بوده و خلاء محسوسی احساس می‌شود به احصاء این شاخصه‌های مرتبط بپردازد و سپس از بین شیوه‌های مختلف متداول برای دوره‌های مشابه کارآفرینی چند روش ارائه شده اما در مجموع پیشنهاد شده که نباید مریی برای آموزش کارآفرینی خود را در یک شیوه تدریس موثر محصور و معدوم نماید بلکه خلاقانه شیوه‌های تدریس موثر را ترکیب و یا حتی ابداع نماید چرا که اقتضای اهداف آموزش کارآفرینی چنین روش‌هایی را می‌طلبد. تحقیق در خصوص ارزیابی شیوه‌های مختلف تدریس موثر در دوره‌های مختلف و ارزیابی و اندازه‌گیری اثربخش آن در موضوعات مختلف کارآفرینی از پیشنهادات نویسندگان برای تحقیقات بعدی می‌باشد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، خلاقیت، آموزش کارآفرینی، شیوه و الگوهای تدریس، اثربخشی آموزشی

^۱ ارومیه، دانشگاه پیام‌نور عضو هیات علمی دانشگاه پیام‌نور ارومیه، Bahareh19@gmail.com.
^۲ کارشناس ارشد علوم تربیتی برنامه‌ریزی درسی ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، Ftbageri@yahoo.com.



همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

مقدمه

کارآفرینی یک نوع سبک و فرآیند پایا و پویا است، و اجزاء آن متشکل از فکرآفرینی، آینده‌نگری، تحول و خلاقیت و... است این فرآیند مستلزم به کارگیری انرژی و علاقه به خلق و به اجرا درآوردن ایده‌های تازه و راه‌حلهای بدیع خلاقانه می‌باشد. مولفه‌های اثرگذار در این زمینه عبارتند از: تمایل به منظور انجام ریسک‌های حساب شده از لحاظ ارزش بازاری خالص و یا شغل، توانایی ایجاد یک تیم مجرب و متخصص اقتصادی، مهارت خلاقانه و نوآورانه تامین منابع مورد نیاز و مهارت پایه‌ای مربوط به تدوین یک برنامه کسب و کاری منسجم و تیزبینی در شناخت فرصت، آن هم در جایی که دیگران با بی‌نظمی، تناقض و سردرگمی دست به گریبان هستند. کارآفرینی چیزی بیش و بالاتر از ایجاد صرف کسب و کار است. هر چند این جنبه بسیار مهمی است، اما نمود کل موضوع نیست. ویژگی‌های مربوط به استفاده از فرصت‌ها، خطرپذیری جدای احساس امنیت و پشتکار لازم برای تبدیل یک ایده به واقعیت و پدیده که دست به دست هم داده و دیدگاه ویژه‌ای را به وجود می‌آورند که کارآفرینان را به خود جلب و جذب می‌نماید. این دیدگاه و دورنما در افراد قابل گسترش بوده و در درون و بیرون یک سازمان، در فعالیتهای انتفاعی و غیرانتفاعی و در فعالیت‌های کسب و کاری و غیر آن که به منظور خلق ایده‌های خلاقانه صورت می‌گیرد، می‌تواند نمایان گردد. بدین ترتیب، کارآفرینی یک مقوله و موضوع کل‌گرا بوده که به شکل منحصر بفرد و بدیع، بر کسب و کار افراد تاثیر می‌گذارد. این دیدگاه است که روش کسب و کار را در همه سطوح و کلیه کشورها متحول ساخته است (عباس‌نژاد، ۱۳۸۶).

کارآفرینی به عنوان عامل کلیدی رشد و توسعه اقتصادی در عصر مدرن شناخته شده است و در مرکز رقابت بین‌المللی، شرکت‌های کارآفرینانه هستند که لبه تیز رقابتی آنها معطوف به انعطاف سازمانی و استراتژی تغییر مستمر در فرآیندها، محصولات و طرح‌هاست (پروکوپنکو و پاولین، ۱۹۹۱، ۷).

اکنون در عرصه جهانی افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان منشاء تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و از آنان نیز به عنوان قهرمانان ملی یاد می‌شود. چرخ‌های توسعه اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت در می‌آید، در اهمیت کارآفرینی همانطور که اشاره شد همین بس که طی بیست سال (۸۰-۱۹۶۰) در کشور هند تنها پانصد موسسه کارآفرینی شروع به کار کرده‌اند و حتی پاره‌ای از شرکت‌های بزرگ جهان برای حل مشکلات خود به کارآفرینان رو می‌آورده‌اند. این در حالی است که در ایران حتی یک موسسه کارآفرینی مستقل در دهه‌های اخیر نداشته‌ایم. معمولاً واژه کارآفرینی با ایجاد شغل و کسب و کار مترادف شده است درحالی‌که اشتغال یکی از آثار کارآفرینی است و ممکن است فعالیت‌های کارآفرینانه اشتغال ایجاد نکند اما تولید ثروت کند و یا به دانایی



همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

بیفزاید. کشورهای پیشرفته صنعتی، خیلی سریع توانستند نقش کارآفرینان را در توسعه اقتصادی کشف کنند و به دنبال توسعه و ترویج چنین فرهنگی در میان مدیران اقتصادی باشند (اکبری، ۱۳۸۰، ۱۷۱).

در حال حاضر سیر تحولات جهانی، کارآفرینان را در خط مقدم توسعه فناوری و توسعه اقتصادی قرار داده است (احمدپور و مقیمی، ۱۳۸۵، ۱۶). از طرفی کارآفرینی را نیز می‌توان آموزش، تقویت و رشد و توسعه داد. آلمان، آمریکا، انگلیس و ژاپن از پیشروان آموزش در این مبحث حیاتی بودند. البته این مهم محدود به چند کشور نبود بلکه به تدریج دول اروپایی نیز حمایت‌های خاصی و بسترهایی از فعالیت‌هایی که جهت تشویق کارآفرینی بین جوانان ایجاد می‌کرد، بعمل آوردند. فعالیتهای آموزشی در جهت کارآفرینی را می‌توان در سه مقطع زمانی و در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰ مطالعه کرد. اولین تلاش آموزشی از سوی مک کله‌لند و با هدف، ۱۹۸۰ انگیزشی توفیق‌طلبی در بین بازرگانان هندی انجام شد. تا اوایل دهه ۱۹۸۰ تنها ۱۳۰ دانشکده به طراحی دوره‌های محدودی در زمینه کارآفرینی پرداخته بودند. در حالی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ این تعداد به بیش از ۵۰۰ دانشکده رسید و اکنون بیش از ۲۰ دانشگاه، کارآفرینی را به عنوان رشته و گرایشی مستقل تدریس می‌کنند. (احمدپور، ۱۳۷۹) آنچه که در تدریس دوره‌های کارآفرینی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، کارآفرینانه بودن شیوه‌های تدریس، ترکیب افراد و اهداف آموزشی و تطبیق و همسویی این موارد با یکدیگر می‌باشد. (احمدپور، ۱۳۷۸).

آموزش کارآفرینی فرایندی هدف‌گرا، نظام‌مند، آگاهانه و پویا می‌باشد که طی آن افراد معمولی ولی دارای توان بالقوه به صورتی خلاق تربیت می‌گردند. در واقع، آموزش کارآفرینی فعالیتی است که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز جهت کارآفرینی استفاده می‌شود که افزایش بهبود توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیر کارآفرین را در پی خواهد داشت در واقع هدف از آموزش کارآفرینی تربیت و پرورش افرادی خلاق و نوآور است. این قبیل دوره‌ها به دنبال استفاده از فرصت‌های مناسب فراهم شده، مخاطره‌پذیری، تمایل به حل مشکلات، بهبود نگرش و گرایش‌های افراد می‌باشد (ذبیحی و همکاران، ۱۳۸۵). به طور کلی در آموزش رشته کارآفرینی اهداف متعددی مورد نظر است که برخی از آنها عبارتند از:

الف) کسب دانش مربوط به کارآفرینی

ب) کسب مهارت در استفاده از فنون تحلیلی، فرصت‌های اقتصادی و ترکیب برنامه‌های عملیاتی

ج) شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت‌های کارآفرینانه

د) القای مخاطره پذیری با استفاده از فنون تحلیلی

ه) تجزیه نگرش‌ها در جهت پذیرش تغییر

ر) ایجاد همدلی و حمایت برای جنبه‌های منحصر به فرد کارآفرینی

آموزش کارآفرینی و تحقیقات مربوط به آن هم اکنون با چالش‌های متعددی مواجه شده است که برخی از این چالش‌ها توسط بلاک و استامپ ارائه شده است. این چالش‌ها عبارتند از: چالش در ایجاد مدل‌های تحقیق برای اندازه‌گیری اثربخشی کارآفرینی، چالش در محتوا و شیوه‌های آموزشی کارآفرینی، چالش در کیفیت مدرسان کارآفرینی، چالش در پذیرش آموزش کارآفرینی در دانشکده‌ها نسبت به کسب و کار، چالش در ایجاد یک پیکره عمومی (مشترک) در زمینه‌های دانشی مختلف، چالش در نیازهای یادگیری کارآفرینانی که هم اکنون در آن به سر می‌برند، چالش در اثر بخشی روش‌های تدریس (احمدپور و همکاران، ۱۳۸۰) شروع هر چیزی مهم است و باید آگاهی یافت تا بر اساس آن شروع کرد و اما در موضوع حیاتی کارآفرینی کافی است تا آموزش‌های لازم در این زمینه ارائه گردد تا جرقه کارآفرینانه در ذهن آنها زده و در عین حال ضرورت مساله نیز برای آنها مشخص شود. اما برای جاری و ساری بودن این حرکت باید با پرورش آنان از طریق اقداماتی مانند حمایت مدیریت، ایجاد تفکر استراتژیک کارآفرینی و فراهم سازی عوامل ساختاری و محتوایی بستر فعالیت مستمر و پویای کارآفرینان سازمانی را فراهم کرد. (میرزاخانی، ۱۳۹۱).

روش تدریس در تربیت، پرورش و آموزش کارآفرینی

پرورش یا تربیت «جریانی است منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی یا به طور کلی رشد همه‌جانبه شخصیت فراگیر در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعداد آنان است» تحقق این مهم از طریق معلم که شکل دهنده جو کلاس است و مهمترین نقش را در پرورش خلاقیت دانش آموزان برعهده دارد و می‌تواند این نقش را از طریق روش‌های تدریس در کلاس به نحو احسن و فعال و اثرگذار به انجام رساند (خسرووردی، ۱۱، ۱۳۸۵). تدریس عبارت است از: تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد، بر اساس طراحی منظم و هدفدار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد. تدریس مفاهیم مختلف مانند: نگرشها، گرایشها، باورها،



همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

عادت‌ها و شیوه‌های رفتار و به طور کلی انواع تغییراتی را که می‌خواهیم در شاگردان ایجاد کنیم، در برمی‌گیرد. (میرزا محمدی، ۱۳۸۳، ۱۷). چهار ویژگی خاص در تعریف تدریس وجود دارد که عبارتند از: الف) وجود تعامل بین معلم و دانش‌آموزان ب) فعالیت بر اساس اهداف معین و از پیش تعیین شده ج) طراحی منظم با توجه به موقعیت و امکانات د) ایجاد فرصت و تسهیل یادگیری. (شعبانی، ۱۳۹۰، ۱۱).

روش در مقابل واژه‌ی لاتینی «متد» به کار می‌رود و واژه‌ی متد در فرهنگ فارسی «معین» و فرهنگ انگلیسی به فارسی «آریانپور» به: روش، شیوه، راه، طریقه، طرز، اسلوب معنی شده است. به طور کلی «راه انجام دادن هر کاری» را روش گویند. روش تدریس نیز عبارت از راه منظم، با قاعده و منطقی برای ارائه درس می‌باشد. انواع روش تدریس در حالت کلی شامل: ۱) روش‌های تاریخی ۲) روش‌های نوین (صفوی، ۱۳۷۰، ۲۳۹). طراحی محیط‌ها، تعریف کلاسیک تدریس است. شاگردان در تعامل با آن محیط‌ها یاد می‌گیرند و نحوه یادگیری خود را بررسی می‌کنند (دیویی، ۱۹۱۶). الگوی تدریس محیط یادگیری را توصیف می‌کند و رفتار معلم زمان استفاده از الگو را تعیین می‌کند. (بهرنگی، ۱۳۸۵، ۵۶-۵۷) از طریق الگوهای تدریس که از سابقه تحقیقاتی بسیاری از معلمان محقق برخوردارند می‌توان برای فراگیران مختلف در موضوعات متفاوت متناسب با آن محیط‌های حیاتی و اثرگذار ایجاد کرد (همان، ۳). در این بخش به تشریح انواع الگوهای تدریس برتر می‌پردازیم.

تفکر استقرایی

تاکید الگوهای اطلاعات پردازشی بر راه‌های تقویت کشف ذاتی انسان برای درک جهان از طریق گردآوری و سازماندهی اطلاعات اولیه، کشف مسائل و ارائه راه حل‌های آنها، و ایجاد مفاهیم و بیان آنهاست. برخی از الگوها برای یادگیران اطلاعات و مفاهیم فراهم می‌آورند، برخی بر تکوین مفهوم و آزمون فرضیه تاکید دارند، و برخی دیگر تفکر خلاق به وجود می‌آورند. چند الگوی اطلاعات پردازشی برای افزایش توان کلی عقل، بسیاری از آنها برای بررسی خویشتن و جامعه و بدینسان برای نایل آمدن به هدف‌های فردی و اجتماعی آموزش و پرورش تدوین یافته‌اند. به طور کلی مهارت اساسی تفکر، توانایی تجزیه و تحلیل اطلاعات و خلق مفاهیم است. الگویی که در این جا معرفی می‌شود تطبیقی از آثار هیلدا تابا (۱۹۶۶) و کسان دیگر است. آنها نحوه‌ی آموزش به شاگردان برای یافتن و سازمان دادن به اطلاعات و ساختن و آزمون فرضیه‌های بیانگر روابط میان مجموعه‌هایی از داده‌ها را بررسی کرده‌اند. کاربرد این الگو محدود و وابسته به علوم نیست و در زمینه‌های بسیار وسیع و متنوع برنامه‌درسی و برای شاگردان هر سنی قابل استفاده است. تحلیل ساختاری و آواشناسی همچون قواعد دستوری به یادگیری مفهوم وابسته است. ساختار



همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

ادبیات مبتنی بر طبقه‌بندی است. بررسی جوامع، ملل و تاریخ مستلزم یادگیری مفهوم است. حتی اگر یادگیری مفهوم در رشد تفکر آن چنان اساسی نباشد، سازماندهی اطلاعات برای زمینه‌های برنامه درسی آنقدر اساسی است که تفکر استقرایی الگویی بسیار مهم برای یادگیری و تدریس موضوع‌های آموزشی محسوب می‌شود. این الگو به شکلی که جویس و کالهن (۱۹۹۶، ۱۹۹۸) و جویس، کالهن و هرایاکوک (۲۰۰۱) پیشنهاد کرده‌اند مبتنی بر تطبیق و سازگاری نتایج تحقیقات درباره‌ی تسریع توانمندی یادگیری شاگردان در زمینه‌های گوناگون درسی است.

دریافت مفهوم

این الگو براساس مطالعاتی که برونر، گودنا و آستین (۱۹۶۷) درباره‌ی تفکر انجام داده‌اند، به صورت خویشاوندی برای الگوی استقرایی شکل یافته است. این الگو که برای آموزش مفاهیم و کمک به یادگیری مؤثر تر مفاهیم تدوین شده، برای ارائه اطلاعات سازمان یافته از موضوع‌های بسیار گسترده به شاگردان در هر مرحله از رشد روشی کارآمد است.

الگوی استقرایی نگاره-کلمه

امیلی کالهن الگوی استقرایی تصویر کلمه را معرفی می‌کند. این الگو بر اساس تحقیق درباره نحوه سواد آموزی شاگردان، به ویژه خواندن و نوشتن و نیز نحوه توسعه واژگان‌های لازم برای شنیدن و سخن گفتن تدوین یافته است. در نگاره کلمه ترکیبی از الگوهای تفکر استقرایی و دریافت مفهوم برای شاگردان که مشغول بررسی کلمات، جملات و پاراگراف‌ها می‌باشند، به کار می‌رود. این الگو برای برنامه‌های درسی خواندن شاگردان کودکان و ابتدایی بسیار مؤثر است و نیز برای شاگردان بزرگسال دوره‌های راهنمایی و دبیرستان که می‌خواهند برنامه نویسنده‌گی و قرائت را آغاز کنند، به کار می‌رود.

کاوشگری علمی

به عنوان نمونه‌ای از چندین الگو که شاگردان را وارد کاوشگری در علوم می‌کنند، از آثار کمیته‌ی بررسی علوم زیست‌شناختی به ریاست جوزف شواب (۱۹۶۵) استفاده کرده‌ایم. این الگو شاگردان را از ابتدای کار وارد فرایند علمی می‌کند و به آنان در گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، بررسی فرضیه و نظریه‌ها، و تدبیر و تفکر بر ماهیت ساخت دانش کمک می‌نماید. از این الگو می‌توان برای آشنایی نوجوانان با علوم (متز، ۱۹۹۵) استفاده کرد و اثرات بسیاری بر عدالت در یادگیری، در واقع حذف تفاوت‌های جنسی (پارکر و آفر ۱۹۸۷) و تا اندازه‌ی بسیاری حذف تفاوت‌های اقتصادی اجتماعی بر جای گذارد. کمیته بررسی

علوم زیست‌شناختی به کارش در بازنگری به برنامه درسی و توسعه برنامه‌های درسی برای شاگردان در سنین پایین‌تر ادامه می‌دهد. وب مربوط به این کمیته اطلاعات بسیاری درباره برنامه‌های درسی جهت یافته از کاوشگری دارد. به ویژه، نظرات مربوط در شبکه آیزنهاور وجود دارد، و شبیه‌سازی فضایی را می‌توان از بروندهای شبکه آیزنهاور و سازمان فضایی ناسا ملاحظه کرد.

مهارت آموزشی کاوشگری

سوگمن (۱۹۶۲) این الگو را برای اولین بار جهت آموزش شاگردان به کار برد تا آنان بتوانند بر حسب زمینه استدلال کنند، در طرح سؤالات و فرضیه‌های مناسب روان‌تر و دقیق‌تر شوند، و آنها را بیازمایند. هر چند در اصل، این الگو در علوم طبیعی مورد استفاده بود، ولی در علوم اجتماعی و برنامه‌های مهارت آموزشی با محتوای فردی و اجتماعی نیز، از آن استفاده شده است. الگوی کاوشگری به لحاظ ارزشی که در آموزش نحوه‌ی استنباط و ایجاد و آزمون فرضیه به شاگردان دارد، در اینجا می‌آید.

یاد یارها (کمک به حافظه)

یاد یارها، راهبردهای یادسپاری و جذب اطلاعات در ذهن می‌باشد. معلمان از یاد یارها به عنوان راهنمای ارائه مطالب می‌توانند استفاده کنند (یعنی چنان تدریس کنند که شاگردان بتوانند به آسانی اطلاعات را جذب نمایند)، و به دانش‌آموزان تدابیری بیاموزند که بتوانند از آنها برای افزایش بررسی درباره‌ی اطلاعات و مفاهیم به صورت فردی و به شکل همیاری استفاده کنند. این الگو همچنین، در بسیاری از زمینه‌های برنامه‌ی درسی و درباره‌ی شاگردانی از سنین مختلف و با ویژگی‌های خاص مورد آزمون قرار گرفته است. در اینجا یافته‌های پرسلی، لوپین و دلانی (۱۹۸۲)، لوپین ولوین (۱۹۹۰) و نیز کاربردهای رایج توسط رابین (۱۹۷۴) و لوکاس (۲۰۰۰) را مطرح می‌کنیم. از آنجا که یادسپاری را در بعضی اوقات با تکرار، یادگیری طوطی وار و اصطلاحات مبهم و سر پوشیده و اطلاعات سطحی اشتباه می‌گیرند، تصور می‌شود که یاد یارها تنها به پایین‌ترین سطح اطلاعات می‌پردازد. اما مطلب به هیچ وجه چنین نیست. از یاد یارها می‌توان برای کمک به شاگردان در چیرگی بر مفاهیم جالب استفاده کرد. علاوه بر آن یاد یارها می‌توانند بسیار سرگرم کننده باشند.

بدیعه‌پردازی

بدیعه‌پردازی در آغاز به منظور استفاده‌ی گروه‌های خلاقیت در زمینه‌های صنعتی به وجود آمد. ویلیام گوردون (۱۹۶۱) آن را برای استفاده در آموزش ابتدایی و دبیرستانی تطبیق داد. بدیعه‌پردازی در جهت



همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

کمک به شاگردان در برهم زدن منظومه جاری اذهان خود در فعالیت‌های ذهنی مبتنی بر مشکل‌گشایی و نوشتن و دست‌یافتن به چشم‌اندازهای جدید برای حل مسایل و موضوع‌های موجود در رشته‌های مختلف تدوین یافته است. الگوی بدیعه‌پردازی در کلاس درس تا زمانی به صورت کارگاه‌ها به شاگردان ارائه می‌شود که آنان بتوانند روال اجرایی آن را به صورت فردی و یا مبتنی بر همیاری گروهی به کار گیرند. هر چند این الگو به صورت محرک مستقیم برای تفکر خلاق تدوین یافته است ولی از اثرات جانبی افزایش همکاری و مهارت‌های مطالعه و احساس صمیمیت در میان شاگردان نیز برخوردار است.

پیش‌سازمان دهنده‌ها

این الگو که توسط دیوید آزوبل (۱۹۶۳) تدوین یافته است یکی از الگوهای خانواده‌ی اطلاعات‌پردازی است که ضمن ۴۰ سال گذشته بیشترین تحقیق درباره‌ی آن به عمل آمده است. این الگو تدوین یافته تا شاگردان ساختاری شناختی برای درک مطلب عرضه شده در خلال سخنرانی، خواندن و سایر رسانه‌ها به وجود آورند. از الگوی پیش‌سازمان دهنده تقریباً برای هر محتوای قابل درک و یا شاگردان در هر سنی استفاده شده است. از این الگو می‌توان در ترکیب با الگوهای دیگر، به طور مثال، در هنگام ترکیب ارائه مطالب با فعالیت‌های استقرایی به خوبی استفاده کرد.

یاران در یادگیری

در سال‌های اخیر تلاش‌های بسیاری برای تحولات در کاربرد یادگیری با همیاری روی داده، و راهبردهای همکاری مؤثر شاگردان با یکدیگر توسعه فراوانی یافته است. به ویژه، کمک‌های سه‌گروه که به ترتیب توسط سه نفر یعنی راجر و دیوید جانسون، روبرت اسلاوین، و شلومو شاران هدایت می‌شود شایان ذکر است. جامعه یادگیری با همیاری در کل، در انتقال اطلاعات و فنون، و در اجرا و تجزیه و تحلیل تحقیقات فعال بوده است. در نتیجه، ابزار خوب و بسیاری برای سازماندهی شاگردان برای همکاری با یکدیگر به دست آمده است. در این دامنه، سیستم‌های تدریس به شاگردان در انجام تکالیف ساده یادگیری به صورت دو نفره تا الگوهای پیچیده سازماندهی کلاس‌ها و حتی مدارس که به صورت جمع‌های یادگیری در تلاش آموختن به خود هستند، قرار دارد. روال‌های یادگیری مبتنی بر همیاری، یادگیری در همه‌ی زمینه‌های برنامه‌ی درسی و سنین مختلف را آسان می‌سازد و موجب بهبود عزت نفس، مهارت‌های اجتماعی، هم‌پیوستگی و هدف‌های یادگیری درسی در دامنه‌ای از کسب اطلاعات و مهارت‌ها تا نمودهای کاوشگری رشته‌های درسی می‌شود.

تفحص گروهی

جان دیویی (۱۹۱۶) که این نظر را به وجود آورد، نظری که بعدها توسط تعداد بسیاری از معلمان و نظریه پردازان بسط داده و پرداخته شده و هربرت ثلن (۱۹۶۰) برای آن تعریف مناسبی فراهم کرد؛ می‌گوید آموزش و پرورش در جامعه مردم سالار به طور مستقیم فرایند مردم سالاری را آموزش دهد. همیاری در کاوشگری مسایل مهم اجتماعی و درسی بخش اعظم آموزش و پرورش شاگردان است. این الگو نیز، در اصل پدید آورنده‌ی سازمان اجتماعی برای کاربرد الگوهای بسیار دیگر در موقع مناسب است. تفحص گروهی در همه‌ی زمینه‌های درسی و با همه‌ی شاگردان در هر سنی، و حتی با الگوی اجتماعی و محوری برای همه‌ی مدارس، به کار رفته است. این الگو برای هدایت شاگردان در تعریف مسایل تدوین یافته تا بتوانند با چشم اندازهای مختلف مسایل را حل کنند، با هم بر اطلاعات، نظرات و مهارت‌ها چیره شوند، و هم زمان به رشد شایستگی اجتماعی نایل آیند. معلم فرایند گروهی را سازمان می‌دهد و به نظم در می‌آورد، به شاگردان کمک می‌کند تا اطلاعات را به دست آورند و سازمان دهند، و آنان را به وجود مباحثه و فعالیت جدی مطمئن سازد. شاران و همکارانش (۱۹۸۸) و جویس و کالهن (۱۹۹۸) این الگو را توسعه داده و با یافته‌های اخیر در توسعه گروه‌های کاوشگر ترکیب کرده اند.

ایفای نقش

الگوی ایفای نقش از آن جهت که شاگردان را برای فهم رفتار اجتماعی، نقش خود در تعامل اجتماعی، و راه‌های مؤثرتر حل مسائل هدایت می‌کند. فانی و جرج شافتل (۱۹۸۲) این الگو را به ویژه برای کمک به شاگردان در بررسی ارزش‌های اجتماعی خود و تفکر بر آنها تدوین کرده‌اند. همچنین، ایفای نقش به شاگردان در گردآوری و سازماندهی اطلاعات درباره‌ی مسائل اجتماعی، رشد همدلی با دیگران، و تلاش برای بهبود مهارت‌های اجتماعی آنان کمک می‌کند. این الگو، علاوه بر آن، از دانش آموزان می‌خواهد تا به شکل نمایشی تعارضات درونی خود را بیرون ریزند، یاد بگیرند خود را در نقش دیگری قرار دهند، و مشاهده‌گر رفتار اجتماعی باشند. ایفای نقش، با تطبیق مناسب، می‌تواند برای شاگردان در هر سنی به کار رود.

کاوشگری به شیوه‌ی محاکم قضایی

با توسعه رشد و رشد شاگردان، می‌توان بررسی مسایل اجتماعی در سطح جامعه‌ی محلی، استانی، کشوری و بین‌المللی را در اختیار آنان قرار داد. برای این منظور الگوی محاکم قضایی تدوین شده است. این الگو به خصوص در درس علوم اجتماعی دبیرستان، روش بررسی موردی که یاد آور آموزش حقوق است، را



همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

وارد جریان آموزش می‌کند. شاگردان مواردی را که در بردارنده‌ی مسایل اجتماعی در زمینه‌هایی چون (عدالت و برابری، فقر و قدرت) که نیازمند تعیین خط مشی عمومی است، مطالعه می‌کنند. آنان برای شناسایی مسایل خط مشی عمومی و انتخاب راه‌های ممکن برای پرداختن به آنها و ارزش‌های مربوط به این راه‌های انتخابی هدایت می‌شوند. هر چند که این الگو برای علوم اجتماعی به وجود آمده ولی می‌تواند در هر زمینه‌ی دیگری که در آن مسایل خط مشی عمومی وجود داشته باشد و نیز در اکثر زمینه‌های برنامه‌ی درسی مانند (اخلاق در علم، تجارت، ورزش و...) که سرشار از این مطالب است به کار رود.

تدریس غیر مستقیم

کارل راجرز (۱۹۶۱ و ۱۹۸۲)، روان‌شناس و مشاور مشهور برای سه دهه سخنگوی شناخته شده‌ی الگوهایی است که معلم در آن نقش مشاور را ایفا می‌کند. این الگو که بر گرفته از نظریه‌ی مشاوره‌ای است بر همراهی بین معلم و شاگردان تأکید دارد. معلم در تلاش است که به شاگردان کمک کند نحوه‌ی ایفای نقش‌های عمده در هدایت آموزش و پرورش خود را بشناسند. به طور مثال طوری رفتار کنند که هدف‌های خود را روشن سازند و در ایجاد راه‌های حصول به هدف‌ها مشارکت جویند. معلم اطلاعاتی درباره‌ی میزان پیشرفت حاصله فراهم می‌سازد و به شاگردان برای حل مسایل کمک می‌کند. معلم در این الگوی غیر مستقیم باید به طور فعال موجبات همراهی لازم را فراهم سازد و در هنگام تلاش شاگردان در حل مسایل خود کمک‌های لازم را در اختیارشان قرار دهد. از این الگو به شیوه‌های مختلف استفاده می‌شود. اول، در سطح بسیار کلی (و کمتر معمول) به عنوان الگوی مبنا برای اجرای همه‌ی برنامه‌های آموزشی پرورشی به کار می‌رود. دوم، این الگو در ترکیب با سایر الگوها برای حصول اطمینان از برقراری ارتباط با شاگردان به کار می‌رود. در این حالت، محیط آموزشی را متعادل می‌سازد. سوم، از آن زمانی استفاده می‌شود که شاگردان به طور مستقل پروژه‌های مطالعه‌ی انفرادی و مشترک را تهیه می‌کنند. چهارم، از آن به تناوب زمانی، در هنگام مشاوره با شاگردان در پی بردن به احساس و ادراک آنان و کمک به آنان در فهم آنچه در سر می‌پروراند، استفاده می‌شود. هر چند این الگو به منظور رشد و نمو درک خویشتن و خودمداری تدوین یافته ولی عمل آن در کمک به تحقق دامنه وسیع هدف‌های آموزشی در کلاس بسیار خوب بوده است.

افزایش عزت نفس

چهل سال است که از اثر خوب آبراهام مازلو در راهنمایی برنامه‌ها برای ساختن توانایی عزت نفس و تحقق خویشتن استفاده می‌شود. ما ضمن کار با شاگردان برای اطمینان تا حد امکان از خوب عمل کردن تصور فردی آنان، اصلی را که بتواند رفتارهای ما را هدایت کند کشف می‌کنیم. اصلاحات اخیر در بررسی



همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

معلمان در زمانی که آنان ذخایر الگوهای تدریس خود را افزایش می‌دهند ابزاری را فراهم آورده است که معلمان با آن می‌توانند سبک‌ها و فرایندهای یادگیری خود را بررسی کنند (جوینس و شاورز، ۲۰۰۲) هدف‌های فردی، اجتماعی و درسی آموزش و پرورش با یکدیگر همسازند. خانواده‌ی انفرادی الگوهای تدریس بخش ضروری ذخایر الگوهای تدریس در ذهن را ایجاد می‌کند و به طور مستقیم نیازهای شاگردان به عزت نفس و درک خویشتن و حمایت و احترام به شاگردان دیگر را مخاطب قرار می‌دهد.

یادگیری تسلط یاب و آموزش برنامه بندی شده

عادی ترین کاربرد نظریه سیستم های رفتاری برای هدف های درسی به شکل یادگیری تسلط یاب معروف است. نخست، مطالب آموختنی به واحدهایی از ساده به پیچیده تقسیم می‌شود. مطالب با رسانه های مناسب (مطالب برای خواندن، نوار، فعالیت) به شاگردان که معمولاً به صورت انفرادی کار می‌کنند، ارائه می‌شود. شاگردان خود قدم به قدم و به طور پیاپی واحدها را پی می‌گیرند. پس از هر یک از این واحدها آزمونی برای کمک به دریافت آنچه که آموخته اند ارائه می‌شود. اگر شاگردان تسلط کافی در هر یک از واحدها نداشته باشند، آنان می‌توانند آن واحد یا واحد معادل آن را تا حد تسلط بر مطالب تکرار کنند. بر اساس این الگو سیستم های آموزشی برای آموزش به شاگردان سنین مختلف در دامنه وسیعی از «مهارت های اساسی» تا مطالب بسیار پیچیده رشته های علمی فراهم آمده است. همچنین، از این سیستم ها می‌توان با تطبیق مناسب برای شاگردان تیزهوش و استثنایی، شاگردان با مسایل عاطفی، و ورزشکاران و فضانوردان استفاده کرد.

آموزش مستقیم

از بررسی های تفاوت های بین معلمان کم و بیش اثر بخش و از نظریه اجتماعی یادگیری، الگوی سلسله مراتبی برای آموزش مستقیم به وجود می‌آید. عبارات مستقیم هدف‌ها، مجموعه فعالیت‌هایی که به طور مستقیم به آن هدف‌ها مرتبط می‌شوند، کنترل با احتیاط پیشرفت، و بازخورد درباره‌ی پیشرفت درسی و اقدامات عملی برای پیشرفت اثر بخش تر با مجموعه راهنمایی‌های تسهیل یادگیری پیوند می‌خورد. ایجاد کنندگان (تام‌گود-جری بروفی-کارل جریتز-زیگی انگلن-وس بکر)

یادگیری از شبیه‌سازها؛ مهارت‌ورزی و خودآموزی

از گروه‌های فرمانشی (سیبرنتیک) نظریه پردازان رفتاری دو شیوهی روی آوری به مهارت‌آموزی توسعه یافته است. اولی الگوی نظریه به عمل دومی شبیه‌سازی است. در اولی اطلاعات درباره یک مهارت با نشان دادن، تمرین، بازخورد و نظارت درهم می‌آمیزد تا فرد در آن مهارت مسلط شود. به طور مثال، اگر یک مهارت ریاضی هدف آموزشی کلاس درس باشد، آن مهارت را توضیح داده و نشان می‌دهند، تمرین با بازخورد اصلاحی می‌دهند، و از شاگرد می‌خواهند آن مهارت را تحت نظر همکلاسی‌ها یا مربی به کار برد. این حالت به طور معمول در مهارت‌آموزی ورزشی به کار می‌رود. شبیه‌سازها از توصیف موقعیت‌های زنده‌ی واقعی ساخته می‌شوند. در این صورت محیط موقعیت‌آموزشی را تا اندازه‌ای کمتر از شکل زندگی واقعی به وجود می‌آورند. گاهی اوقات شبیه‌سازی بسط داده می‌شود (به طور مثال، شبیه‌سازهای پرواز یا سفینه‌ی فضایی و یا شبیه‌سازهایی برای ارتباطات بین‌المللی). شاگردان برای حصول به هدف شبیه‌سازی دست‌اندرکار فعالیت (به پرواز درآوردن هواپیما، یا شاید بازسازی یک منطقه‌ی شهری) می‌شوند و باید آنقدر با عناصری که واقع‌نما هستند کار کنند تا بر هدف مسلط شوند. (بهرنگی، ۱۳۸۵، ۵۹-۶۹)

روش تدریس و رابطه آن با کارآفرینی

تدریس، تنها فعالیت معلم در کلاس درس نیست بلکه فعالیتی دو جانبه از طرف معلم و دانش‌آموزان می‌باشد که در جریان آن، بین دانش‌آموزان با یکدیگر و معلم تعامل وجود دارد. همانطور که تصریح شد روش تدریس را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: روش‌های تدریس فعال و روش‌های تدریس غیر فعال (سنتی). در روش تدریس غیر فعال، فقط معلم نقش فعالی را در جریان تدریس بعهده دارد و مطالبی را که از قبل تعیین شده است بطور شفاهی در کلاس بیان می‌کند و دانش‌آموزان در این میان واکنش چندانی از خود نشان نمی‌دهند. به عبارت دیگر کودک برای مدرسه است، نه مدرسه برای کودک. تدریس سنتی تنها وظیفه خود را این می‌داند که حافظه کودک را از معلومات انباشته سازد، آنرا به زیور علم بیاراید و با افکار بزرگ زینت بخش. بنابراین خلاقیت فقط جای اندکی در آموزش سنتی دارد، زیرا در آموزش سنتی کسب مهارت خواندن و نوشتن مهم است و ارائه مفاهیم به صورت شفاهی از طرف معلم و تکرار و حفظ کردن و پس دادن مطالب توسط شاگردان انجام می‌شود. بدین ترتیب ذهن شاگردان با جزئیات شتاب زده و نامربوط انباشته می‌شود و آنها از یادگیری مطالب مهم درسی و قابل فهم محروم می‌گردند، و تلاشی برای پاسخ‌های چالش‌انگیز وجود ندارد. شیوه‌های آموزش سنتی دانش‌آموزان را با روش‌های شناختی که مرتبط با دنیای فردا است همراه نمی‌کند و چنین تدریس نامناسبی همراه با عدم طرح موضوعات



همایش ملی ایده‌های کارآفرینی و فرصت‌های جدید کسب و کار

بحث برانگیز، محیط آموزشی ملالت‌آوری را ایجاد می‌کند. در نتیجه باعث عدم کنجکاوی و سؤال و مشارکت از جانب کودک می‌شود. برای پر کردن این شکاف و فقدان می‌توان با روش‌های فعال و پویا مانع از کسب این دیدگاه سطحی نگر شد. در مقابل روش تدریس سنتی، روش‌های دیگری وجود دارد که در آنها بر خلاف روش تدریس غیر فعال، دانش‌آموزان بیشتر فعالیت دارند و قسمت اعظم کار آموزش و تدریس بعهده دانش‌آموزان می‌باشد. در واقع یک تعامل دو طرفه بین دانش‌آموزان و معلم و دانش‌آموزان با یکدیگر وجود دارد. در این روش پیشنهاد می‌کنند که از وسعت برنامه کاسته شود و کیفیت برنامه مورد اهمیت باشد زیرا ثابت شده است معارفی که طی تفحصات و پژوهش‌های آزادانه مشخص بدست می‌آید بهتر در ذهن باقی می‌ماند و به شاگرد فرصت می‌دهد به کسب روش‌هایی نائل آید که در تمام دوره زندگی مورد استفاده قرار گیرد و بطور مداوم دامنه کنجکاوی او را توسعه می‌دهد و دانش‌آموز یاد می‌گیرد چگونه عقل خود را شخصاً بکار اندازد و بدین ترتیب آزادانه مفاهیم و تصورات خود را بنا می‌کند. بنابراین استفاده از روش فعال در ارائه درس نه تنها دانش‌آموزان را بر سر شوق و ذوق آورده و انگیزه یادگیری را در آنان تقویت می‌کند، بلکه معلم را در تبدیل محیط کلاس به جامعه‌ای کوچک و دلپذیر قادر می‌سازد. در نتیجه ایجاد و پیشرفت چنین محیط‌هایی است که حس کنجکاوی دانش‌آموزان برانگیخته می‌شود. بنابراین معلم باید برای برانگیختن فعالیت‌های مورد نظر خود از رغبت‌های طبیعی دانش‌آموزان استفاده کند و آنها را وادار نماید تا از روی رغبت و علاقه فعالیت نمایند و خلاقیت آنها را پرورش و شکوفا سازد. به طور کلی روش تدریس مناسب در مدارس نه تنها باعث می‌شود که خلاقیت کودکان رشد یابد، بلکه دانش‌آموزان را با دنیای فردا که مسئله و مشکلات بی شماری دارد، آماده‌ی حل مسئله، خلاقیت و نوآوری می‌کند. پس لازم است تا جامعه در آگاه کردن معلمان به انواع روش‌های فعال تلاش کند تا معلمان از روش‌های مناسب در کلاس خود استفاده کنند، کنجکاوی کودکان را برانگیزند و شرایط مناسب‌تری را برای خلاقیت کودکان که بعنوان عنصر اصلی و خمیرمایه کارآفرینی قلمداد می‌شود و باید در سنین ابتدایی جوهره آن با روش تدریس مناسب رقم بخورد ایجاد کنند. (خسروچردی، ۱۳۸۵-۱۰-۱۵) همانطور که مشاهده شد روش‌های تدریس بعنوان عنصر مهم در برنامه‌ریزی دوره‌های آموزشی است. یک برنامه درسی کارآمد تضمین‌کننده تدریس و یادگیری بهتر کلاسی نیست. چنانکه بروفی Brophy معتقد است که نتایج ترتیبی به وسیله آنچه که تدریس شده است (برنامه درسی) و هم چگونگی مطلوب بودن تدریس (روش‌های تدریس) تعیین می‌گردد. در مورد روش‌های تدریس کارآفرینی، روش مشخصی پیشنهاد نشده است، اما مروری به ادبیات رایج کارآفرینی، تغییر از آموزش سنتی کارآفرینی را به سمت پذیرش روش‌های تدریس نوین کارآفرینی که مبتنی بر یادگیری به وسیله عمل است، نشان می‌دهند. آموزش کارآفرینی نباید به عنوان یک فرآیند



همایش ملی ایده‌های کارآفرینی و فرصت‌های جدید کسب و کار

مکانیکی نگریسته شود، بلکه فرآیندی جامع و کامل به شمار می‌رود. در نتیجه تلاش برای تدریس چنین فرآیندی چالش برانگیز و مشکل ساز است. برای غلبه بر این مشکل جداسازی جنبه‌های قابل آموزش از جنبه‌های غیر قابل آموزش کارآفرینی سند خوبی در ادبیات آن به شمار می‌رود. بخش علم کارآفرینی که به کسب و کار و مدیریت مربوط می‌شود قابل تدریس است که یک رویکرد و نگرش آموزشی معمول را به کار می‌گیرد، در حالیکه بخش هنر کارآفرینی که مربوط به جنبه‌های هنری و خلاق آن می‌شود به نظر می‌رسد که همانند بخش علم قابل تدریس نباشد. (کیا، ۱۳۸۵: ۱۶-۲۰)

مهمترین اصل در فرآیند تدریس، ایجاد محیط یادگیری دوسویه و بررسی نحوه یادگیری است. الگوهای تدریس در واقع روش‌های یادگیری و یاددهی مهارت و مفاهیم هستند که علاوه بر آموزش کسب این دانش‌ها و مهارت‌ها نحوه یادگیری را نیز به فراگیران می‌آموزند مهمترین ماحصل آموزش کسب یادگیری مهارت و تسلط متعلم در دانش مدنظر می‌باشد. نحوه انجام تدریس تاثیر زیادی بر قابلیت‌های فراگیران برای خودآموزی دارد. مربیان موفق به فراگیران خود نحوه ذخیره سازی اطلاعات بدست آمده از صحبت‌ها و راه درونی کردن آنها را می‌آموزد. به اینصورت نقش عمده تدریس تربیت فراگیرانی قدرتمند است.

کرلسکی و کارلسن (۱۹۹۷) معتقد است که برای اتخاذ یک راهبرد کارآمد برنامه های آموزش کارآفرینی باید بر اساس فرضیه های یادگیری استوار باشند تا بتوان با استفاده از آنها مفاهیم پیچیده کارآفرینی به اجزاء عینی و قابل کنترل تبدیل کرد. دو مورد از نظریه های یادگیری که این دو محقق تاکید دارند: نظریه یادگیری زایشی، نظریه یادگیری تجربی. در نظریه یادگیری زایشی یعنی مغز انسان قادر باشد تا بصورت پویا میان مفاهیم ناشناخته، با دانش و تجربه قبلی رابطه معنی دار برقرار کند. و در نظریه یادگیری تجربی یعنی فراگیر با توانایی های شخصی خود بصورت فعال در حل مساله مشارکت کند. ترجیحات فردی در یادگیری محتوای آموزشی را سبک یادگیری می‌نامند. یادگیری افراد معمولا به سه روش صورت می‌گیرد: ۱. شیوه دیداری ۲. شیوه شنیداری ۳. شیوه حرکتی، حسی. هریک از این شیوه‌ها دارای خصوصیتی می‌باشد. در مورد سبک یادگیری کارآفرینان نیز نظرات متفاوتی مطرح است، سکستون در سال ۱۹۹۷ اعلام کرده که کارآفرینان ایده‌های معینی در مورد اینکه چطور یاد می‌گیرند و چه چیزی را می‌خواهند یاد بگیرند دارند. رایت در سال ۲۰۰۰ یک سری فرضیاتی درباره سبک یادگیری کارآفرینان ارائه داده است که قدیمی‌ترین و پذیرفته‌ترین شیوه ای که کارآفرینان از طریق آن یاد می‌گیرند، یادگیری از طریق "انجام دادن کارهاست" که نسبت به بقیه سبک های یادگیری برتری و تقدم دارد. گیپ و کاتن (۱۹۹۸) نیز معتقدند که افراد باید مفاهیم کارآفرینی را ابتدا احساس سپس بصورت عملی کسب کنند نه

اینکه صرفاً آنها را به شیوه معمولی بیاموزند. آنها معتقدند اساساً کارآفرینان از منابع متنوع بصورت متناوب یاد می‌گیرند و در مقایسه‌ای رویکرد متعارف و رویکرد کارآفرینانه را به شرح ذیل مورد مقایسه قرار داده‌اند.

شماره	شاخص‌های یادگیری در رویکرد متعارف	شاخص‌های یادگیری در رویکرد تدریس کارآفرینانه
۱	محتوا محور	فرآیند محور
۲	مربی محور	فراگیر محور
۳	مربی تنها منبع انتقال دهنده اطلاعات	مربی تسهیل کننده یادگیری
۴	فراگیری جواب‌های چرا؟	فراگیری پاسخ‌های کجا، چگونه و چه کسی؟
۵	فراگیر منفعل (دریافت کننده اطلاعات)	فراگیر فعال و کنشگر (مشارکت در تولید اطلاعات)
۶	انفعال عاطفی و احساسی	یادگیری احساسی و عاطفی
۷	جلسات درس برنامه ریزی شده	جلسات درسی انعطاف پذیر و پویا
۸	اهداف یادگیری از پیش تعیین شده	اهداف یادگیری توافقی
۹	فرضیه تاکید بر مفهوم	فرضیه رابطه عملی و عینی مفهوم
۱۰	تمرکز بر موضوع و مفاهیم	تمرکز بر جنبه‌های عملی و کاربردی موضوعات و مفاهیم

یادگیری و تجربه اندوزی مبتنی بر آزمون خطا	ترس از آزمون خطا	۱۱
یادگیری دو سویه	یادگیری یکسویه	۱۲
یادگیری تعاملی بین فراگیران و مربی نقش هدایتگری دارد	یادگیری تعاملی بین فراگیر و مربی	۱۳

رایت نیز به چرخه یادگیری کلب که مبتنی بر دو راهبرد احساس کردن و فکر کردن برای دریافت اطلاعات جدید فراگیر که باید در کلاس درس تجربه نماید تاکید دارد (کیا و نساچ، ۱۳۸۶، ۴-۱۱).

با بررسی ابعاد مختلف آموزش کارآفرینی متوجه می‌شویم که بیشتر روش های کارآفرینی مربوط به موضوعاتی چون کسب و کار می‌باشد. نه تنها برای بار آوردن فرد کارآفرین به علم (دانش) نیاز است بلکه به راه‌های بدیع و تازه تفکر، انواع مهارت‌ها و مدل های جدید رفتار (هنر) نیز نیاز است. که آموزش سنتی در این زمینه نمی‌تواند موثر باشد، روش سخنرانی نیز برای ارایه دانش نظری مناسب است اما برای تدریس چنین دروسی کاربرد ندارد (بخاطر اینکه رشته های کارآفرینی باید کاربردی و عملی تر تدریس شوند). سازمانی به نام رثال که در سال ۱۹۸۵ در آمریکا تاسیس شده اذعان می‌دارد که کارآفرینی واقعی باید از طریق آموزش فعال تدریس شود زیرا افراد کارآفرین به کارهایی که با دست خود انجام می‌دهند بیشتر رغبت دارند تا به یادگیری منفعل. همچنین رائی نیز در زمینه تدریس کارآفرینی تاکید به این نکته دارد که لازم است بدانیم افرادی که در این زمینه به موفقیت هایی رسیده‌اند از چه راهی و چگونه عمل کرده اند و معتقد است بکار گرفتن روش روایتی و داستانی نسبت به تاریخ زندگی افراد، روشی قابل اعتماد و نوآورانه است و یادگیری کارآفرینانه را تسهیل می‌کند. فایت در مورد یادگیری فعال رویکرد مبتنی بر تئوری را در تدریس کارآفرینی پیشنهاد می‌کند. وی تاکید می‌کند که تدریس زمانی بهتر انجام می‌شود که تئوری و عمل با یکدیگر ترکیب شوند. و دو مانع عمده به شرح ذیل برای پیشرفت آموزش کارآفرینی متصور شده که بر آن آسیب وارد می‌کند: ۱. صرفا آن را عملی و تحلیل موردی کنیم و هیچ پایه تئوریکی به فراگیران ارایه ندهیم ۲. اینکه کاملا تئوری باشد و به فراگیران مجال درگیری با موقعیت عملی را ندهیم. در موسسه NFTE بمنظور تدریس صحیح و اثربخش از کتاب راهنمای مربی که در مقدمه آن به روش تدریس کارآفرینی اشاره شده مورد استفاده قرار می‌گیرد و در آن از روش تدریس تعاملی که به علاقه و آهنگ



همایش ملی ایده‌های کارآفرینی و فرصت‌های جدید کسب و کار

یادگیری توجه بسیاری می‌شود، تاکید دارد. یادگیری موردنظر، یادگیری جمعی / عملی است. این یادگیری از طریق فعالیت‌هایی مانند: بازی‌های چانه‌زنی، گردشهای علمی، مطالعات موردی و فعالیت‌های مرتبط با تهیه یک طرح کسب و کار حاصل می‌آید. دانشگاه کویین برای تدریس کارآفرینی از چهارچوبی مشتمل بر روشهای تدریس زیر استفاده می‌کند: روش حل مساله، تمرینات گروهی از طریق گروه‌های رسمی کوچک، شبیه‌سازی، مطالعه موردی، ایفای نقش. دانشگاه فنلاند نیز روش‌های ذیل را بعنوان روشهای تدریس پیشنهادی برای تدریس کارآفرینی مورد استفاده قرار داده است: تدریس کلاسی و سخنرانی‌ها، ملاقات با متخصصان کسب و کار، ارزیابی مثال‌های عملی از کارآفرینی، پروژه‌های کارگروهی، مصاحبه با کارآفرینان، بازی‌های کسب و کار و فعالیت‌های رشد دهنده. (همان، ۱۷-۲۰)

نتیجه گیری

کارآفرینی بعنوان اصلی بی‌بدیل امروزه در توسعه پایدار کشورها نقش‌آفرینی می‌کند امروزه کشورها برای نیل به این میانبر توسعه با رویکردهای مختلف بسوی این مهم در تلاش هستند بطوریکه برنامه‌های استراتژیکی فراوانی را در سند توسعه خود طرح‌ریزی نموده‌اند و به کارآفرینی از چند منظر اساسی برای آن سند چشم انداز طراحی و تدوین نموده‌اند که بحث پژوهش و ترویج و فرهنگ سازی و آموزش و... از جمله آنها می‌باشد که بحث آموزش به نوعی عامیت بیشتری داشته و به نوعی زیر ساخت سایر حوزه های مدنظر نیز تلقی می‌شود در بحث آموزش کارآفرینی نیز حوزه های مختلفی برای آن طراحی شده است که خارج از بحث این مقاله می‌باشد اما در بحث آموزش به معنای کلاسیک آن شیوه آموزش و از همه مهمتر روش تدریس بسیار مهم می‌باشد و یقیناً رابطه معنی داری بین شیوه و روش تدریس کارآفرینی و کارآیی اثربخش تر آموزش کارآفرینی وجود دارد.

با عنایت به جنبه‌های مختلف کارآفرینی و ویژگی‌های روانشناختی کارآفرینان و با علم به این نکته که کارآفرین زاده نمی‌شود بلکه تربیت می‌شود و در واقع این ویژگی‌ها در همه افراد جامعه علی‌الخصوص کودکان و جوانان و دانشجویان با نسبت‌های مختلف وجود دارد و نیاز است تا با یک برنامه‌ریزی آموزشی موثر در ابعاد مختلف این ویژگی‌های درونی را پرورش، آموزش، تقویت، رشد و توسعه داد. مهمترین نکته در یک برنامه‌ریزی درسی موثر؛ الگو و روش تدریس ازپیش طراحی شده است که باید متفاوت با روش تدریس آموزش متعارف و عمومی باشد چرا که اهداف آموزشی این دو نیز با هم متفاوت بوده و در نتیجه برنامه‌ریزی آموزش کارآفرینی نیازمند یک الگوی تدریس و روش تدریس پویا و پایا و فعال است. که تاکید بر فرآیند محوری و فراگیر محور بودن در مقابل محتوا محوری و مربی محوری و تبدیل نقش مربی از انتقال دهنده صرف به تسهیل کننده یادگیری و جلسات درسی انعطاف‌پذیر و پویا و یادگیری توافقی بجای جلسات درس برنامه ریزی شده و اهداف یادگیری از پیش تعیین شده و ایجاد فضای آموزشی که فراگیر از حالت منفعل خارج و به فراگیر فعال و کنشگر تبدیل شده و بجای تمرکز بر موضوع و مفاهیم بر جنبه های عملی و کاربردی موضوعات و مفاهیم تاکید داشته باشد از خصوصیات است که باید مربی در الگوی تدریس و روش خود برای نیل به آنها برنامه داشته باشد.

براساس پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه تدریس کارآفرینی "روش‌های سخنرانی ترکیبی، ایفای نقش، مطالعه‌موردی، مباحثه، شبیه‌سازی، طوفان فکری، یادگیری فعال و پویا، بدیعه‌پردازی از روش های اثرگذار و رایج در کارآفرینی می‌باشد. و به نظر می‌رسد مربیان کارآفرینی در کلاس‌ها و دوره‌های خود باید با مدنظر داشتن اهداف هر موضوع از محتوای مدنظر کارآفرینی بهره‌برداری کرده و همانطور که خلاقیت



همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

بعنوان شاخصه اصلی کارآفرینی مدنظر است در روشهای تدریس این رشته نیز با ترکیبی خلاقانه از روشهای هم‌سنگ متناسب و یا ابداعی اهداف آموزشی کارآفرینی را بصورت کاربردی عملیاتی کرد چرا که نباید معلم کارآفرینی خود را محدود و معدوم به کلیشه‌های تدریس عام و یا یک روش خاص نمود زیرا اقتضای ماهیت کارآفرینی و آموزش آن چنین چیزی را می‌طلبد. لذا در پایان برای تحقیقات بعدی پیشنهاد انجام مطالعات مقایسه‌ای در بین چندین گروه هدف (دوره آموزشی) با ترکیب‌های همسان در یک سرفصل کارآفرینی و با شیوه‌های تدریس مختلف متناسب و گرفتن بازخورد در دوره‌های زمانی آموزش و ارزیابی خروجی میزان یادگیری جهت سنجش اثرگذاری شیوه‌های مختلف تدریس پیشنهاد می‌شود.



همایش ملی ایده‌های کارآفرینی و فرصت‌های جدید کسب و کار

منابع و مآخذ

- احمدپور داریانی، محمود و مقیمی، سید محمد، ۱۳۸۵، مبانی کارآفرینی، نشر فرا اندیش، تهران.
- احمدپور داریانی، محمود، ۱۳۷۹، کارآفرینی، انتشارات شرکت پردیس ۵۷، تهران.
- احمدپور داریانی، محمود، ۱۳۷۸، کارآفرینی (نظریات، تعاریف، الگوها)، انتشارات پردیس، تهران.
- اکبری، کرامت‌ا...، ۱۳۸۰، نقش آموزش در توسعه کارآفرینی، مجموعه مقالات همایش کارآفرینی و فناوری‌های پیشرفته، انتشارات دانشگاه تهران.
- خسروجردی، زهرا، ۱۳۸۵، خلاقیت و روش‌های تدریس، فصلنامه تخصصی اشتغال و کارآفرینی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- جویس، بروس - ویل، مارشا، کالهن، امیلی، ترجمه محمدرضا بهرنگی، ۱۳۸۵، الگوهای تدریس، انتشارات کمال تربیت.
- ذبیحی، محمدرضا، مقدسی، عیبرزاد، ۱۳۸۵، کارآفرینی از تئوری تا عمل، نشر جهان فردا.
- شعبانی، حسن، ۱۳۹۰، مهارت‌های آموزشی روش‌ها و فنون تدریس، تهران، انتشارات سمت.
- صفوی، امان الله، ۱۳۷۰، کلیات روش‌ها و فنون تدریس، نشر معاصر، تهران.
- کیا، محمد، ۱۳۸۵، نگاهی نو به آموزش‌های کارآفرینی، فصلنامه تخصصی اشتغال و کارآفرینی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- کیا، محمد-نساج، سعیده، ۱۳۸۶، روش‌های تدریس کار، انتشارات جهاددانشگاهی، تهران.
- میرزاخانی، علی، ۱۳۹۱، برخورد حمایتی و تشویقی با کارآفرینان، روزنامه دنیای اقتصاد، کد خبر: ۳۱۲۱۲۹
- میرزا محمدی، محمدحسن، ۱۳۸۳، کتاب ارشد، پوران پژوهش، تهران.

PROKOPENKO JOSEPH & PAVLIN IGOR,
ENTREPRENEURSHIP DEVELOPMENT IN PUBLIC ENTERPRISES,
INTERNATIONAL LABOUR OFFICE, ۱۹۹۱.

اکرم عباس نژاد (آموزش کارآفرینی در قرن بیست و یکم عنوان) <http://www.jobportal.ir/۱۳۸۶>